

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال یازدهم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۷ - شماره پیاپی ۴۱

سبک شخصی شعر شهزاد میدری

(ص ۱۰۱ - ۱۲۰)

دکتر حسین خسروی (نویسنده مسئول)؛ سید مهدی کاظمی<sup>۱</sup>؛

دکتر مظاهر نیکخواه<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۶

#### چکیده

غزل یکی از قالبهای پرکاربرد شعر فارسی است. این قالب در ادوار مختلف شعری مورد توجه شاعران بوده است. پس از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷ خورشیدی)، شاعران اقبال تازه‌ای به غزل نشان داده‌اند بطوری که اندیشه و احساس آنها در این قالب نمود پیدا کرده است. غزل امروز (نئوکلاسیک)، در اشعار فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، حسین منزوی و منوچهر نیستانی و محمدعلی بهمنی و قیصر امین‌پور و نیز شاعران جوانتر از جمله مهدی فرجی، حامد عسگری، محمد رضا طریقی و شهزاد (حسین) میدری دیده میشوند. در این مقاله، پژوهشی سبک‌شناختی بر روی اشعار میدری (با تکیه بر غزلیات) انجام شده است. در این جستار موضوعاتی از قبیل موسیقی شعر، ساخت ترکیبات تازه، موسیقی بیرونی، کناری و درونی، واج آرای، واژه‌های پربسامد، باستان‌گرایی، تشبیه، استعاره، تلمیح و مولفه فکری شاعر بررسی شده است.

**کلمات کلیدی:** شهزاد میدری، سبک‌شناسی، غزل معاصر

<sup>۱</sup> - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی (نویسنده مسئول)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد (h\_khosravi2327@iaushk.ac.ir)

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری تخصصی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد (s-mka@cbasco.ir)

<sup>۳</sup> - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی (استادمشاور)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد (mazahernikkhah@iaushk.ac.ir)

## ۱- مقدمه

از پیشگامان غزل نوکلاسیک، فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، حسین منزوی، محسن پزشکیان، منوچهر نیستانی و محمدعلی بهمنی و قیصر امین‌پور را میتوان نام برد. محسن پزشکیان و منوچهر نیستانی از پیشاهنگان غزل نوکلاسیک هستند. غزل نوکلاسیک در دهه‌های هشتاد و نود ادامه یافت و شاعران جوانتر این رویکرد از جمله مهدی فرجی، حامد عسگری، محمد رضا طریقی و میدری این رویکرد را ادامه دادند.

شهرداد میدری متولد بیستم مهر ماه ۱۳۵۶ در بندر دیر بوشهر است و به گفته خودش، بیست و شش سال است که شعر می‌سراید. میدری دارای مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی است. او در قالب‌های دوبیتی رباعی، نیمایی و غزل شعر سروده است. از کتابهای او میتوان به «شکوفه زیر چاپ سنگ» (۱۳۸۸ انتشارات داستان سرا) اشاره کرد. این دفتر در ۷۲ صفحه و در قالب دوبیتی سروده شده است.

یکی از دیگر آثار او کتاب «انگور در رگهای شعر» (۱۳۹۰ انتشارات فصل پنجم) است. این مجموعه در ۱۰۴ صفحه و در ۱۱۰۰ نسخه شامل ۱۹۴ دوبیتی است. اثر دیگر او «امپراطور فراموش» (۱۳۹۳ انتشارات فصل پنجم) است. این کتاب در ۱۱۲ صفحه، در ۱۱۰۰ نسخه شامل ۲۱۰ دوبیتی است. غزلهای او در کتابی تحت عنوان «فیروزه‌تر از آسمان» در دست چاپ است. این مجموعه به غزلهایش (به نقل از وبلاگ های پیچک و پهلوی پارسی) اختصاص دارد. نگارنده دوبیتی‌های این شاعر را در پژوهشی جداگانه بررسی کرده است. در این نوشتار، غزلیات او بررسی میشود.

## ۲- پیشینه تحقیق

دربارۀ سبک شخصی شعر شهرداد میدری، تاکنون تحقیقی انجام نشده است.

## ۳- ویژگیهای زبانی

### ۳-۱- ساخت ترکیبات تازه

شاعران برای ایجاد سبکی نو و منحصر به فرد سعی دارند ترکیبات تازه‌ای بسازند و در اشعار خود بکار ببرند.

میدری از جمله شاعرانی است که ترکیبات تازه در اشعار او به چشم می‌خورد. در اشعار میدری ترکیبات تازه کم نیستند. ترکیباتی که ساخته و پرداخته ذهن خود شاعر است. از جمله «حواس آسمان»، «بغض لگدمال» و «جنگل لیمو بنان» در ابیات زیر:

حواسِ آسمانت پرت رویِ شیشه‌هایِ مه      سکوتِ جار و جنجالِ کسی باشد که دیگر نیست  
(میدری، ۱۳۹۵)

شود هر خوشه‌اش روزی شرابی هفتصد ساله      اگر بغضِ لگدمالِ کسی باشد که دیگر نیست  
(همان)

جنگلِ لیمو بنانِ مردمک‌هایت چه بکر      مخملِ سبزی که دشتستان تر از این حرف‌هست  
(همان)

موارد بیشتر: ابروی جلا / اندوه زغال / بالش بازو / بانو شراب / پیرهن نازکِ نارنج /  
چشمِ تریاکی / چشمه یاقوتِ بهشت / خمره چشم / خسته تر از ساعت / خمره بوسه /  
خوشبختی کال / سیب آرزو / قلکی از بی نیازی / قوسِ شهرآشوب / منقل آغوش / نان داغ  
گردن / نُت‌های باران خورده / هاشورِ رقصا رقص

### ۳-۲- واژه‌های پربسامد

واژه‌ها نمایندگان فکری انسانها هستند و اندیشه در مجسمه‌های کلمات ظهور میکند و نشانگر ذهن و ماوراء دیدگاه افراد است.

شهراد میدری نیز با استفاده از کلماتی که در اختیار گرفته است، میل باطنی و اندیشه خود را تا حدودی آشکار میکند. این واژه‌ها نماینده ذهن و دیدگاه او شده‌اند که در بخش فکری اثر، مطرح میشوند.

کلمات پر بسامد غزلیات میدری عبارتند از: دل، شب، چشم، عشق، رقص، بوسه، زیبا، شعر، صبح، باران، عاشق، غزل، ماه، برگ، گریه شراب، چای، محشر، آسمان، بهار، سیب، آغوش، فنجان، لب، ناز، عطر، شیرین، عسل، قدیم، طلا، دختر، سرمه  
با توجه به بسامد کلمات بالا در غزلیات میدری، این اندیشه و فکر تقویت میشود که در شعرش اندیشه خوشباشی و دریافت لحظات کنونی و دریافت دم به چشم میخورد. در شعر او اغلب سخن از عشق مجازی است. عشقی که خاطر محبوب را میخواهد اما نه به قیمت رنجش خاطرش.

### ۳-۳- موسیقی بیرونی (وزن)

میدری در غزلیات خود در بحور زیر طبع آزمایی کرده است. در ادامه بحور و اوزان مورد استفاده شاعر ارایه میشود:

جدول ۱- بحر ها و اوزان عروضی

وزن	بحر
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن	رمل مثنی کامل
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنی محذوف
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	وزن دوری رمل مثنی محذوف
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مسدس محذوف
فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنی مخبون محذوف
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	هزج مثنی سالم
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن فعولن	هزج مثنی محذوف
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنی اصلم
فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن	رمل مثنی مخبون محذوف
مفتعلن مفتعلن فاعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن	سریع مثنی مطوی مکشوف
مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعولن	هزج مثنی اخرج مکفوف محذوف
مستفعلن مستفعلن مستفعلن فاعلن	بحر رجز مثنی محذوف
مفتعلن مفتعلن مفتعلن فاعلن	سریع مثنی محذوف

میدری در چهارده وزن طبع آزمایی کرده است. بیشترین وزن بکار رفته در غزلیات بحر رمل مثنی محذوف و هزج مثنی سالم است که بیش از ۶۰ درصد غزلیات او با این اوزان سروده شده است

### ۳-۴- موسیقی کناری (قافیه و ردیف)

**الف) قافیه:** در غزل های میدری ۴۷۴ قافیه اسم، ۱۲۳ قافیه صفت، ۲۴ قافیه فعل، ۹ قافیه قید و مابقی قافیه ها مصدر، ضمیر، حرف اضافه و ادات پرسش هستند. هجاهای پایانی استفاده شده در قافیه ها، ۳۷/۰۵ درصد از نوع هجای «صامت، مصوت بلند، صامت»، ۲۸/۵۷ درصد «صامت، مصوت کوتاه، صامت» و ۲۸/۵۷ درصد هجاهای «صامت، مصوت بلند» هستند. در جدول زیر هجاهای قافیه ها به تفکیک صامت و مصوت و میزان درصد استفاده هر کدام به تفکیک آمده است.

جدول ۲- درصد و انواع هجاهای قافیه

ردیف	نوع هجا	درصد
۱	صامت+ مصوت بلند+ صامت	۳۷/۰۵
۲	صامت+ مصوت کوتاه+ صامت	۲۸/۵۷
۳	صامت+ مصوت بلند	۲۸/۵۷
۴	مصوت بلند	۵/۳۵
جمع کل		۱۰۰

با عنایت به جدول فوق «صامت، مصوت بلند، صامت» بالاترین و «مصوت بلند» کمترین بسامد را در هجای پایانی قافیه‌های شعر دارد. او در بیش از ۶۰ درصد غزلها از قافیه‌هایی بهره برده است که دارای مصوت بلندند. لذا قافیه‌ها در اشعار او از ارزش آوایی بالایی برخوردار است.

از مجموع غزلهای شاعر، ۳۲/۱۴ درصد با روی «ر» که صامتی است «لرزان یا تکراری که هنگام ادای آن، اندام گویایی یعنی سر زبان و پرده کام با جنبشهای پیاپی به حرکت درمی‌آید». (مبانی زبانشناسی و کارکرد آن در زبان فارسی، نجفی: ص ۵۷) میزان و درصد ما بقی روی‌ها طبق جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۳- انواع حرف روی و درصد آن

نوع حرف	ر	ا	ن	ب	ز	م	ل	و	ت	د		
درصد	۳۲/۱۴	۱۷/۸۵	۱۹/۶۴	۷/۱۴	۷/۱۴	۵/۳۵	۳/۵۷	۳/۵۷	۱/۷۸	۱/۷۸		
		جمع		٪۱۰۰								

ب) ردیف: در این مجموعه، میدری از ردیفهای مختلفی به فراخور نیاز در جانشینی کلمات و جایگاه هرکدام، استفاده کرده است. بیش از ۵۷ درصد از ردیفها فعلی، بیش از ۲۸ درصد از آنها جمله‌ای و ۸ درصد ردیفها اسم هستند.

معمولاً کاربرد ردیفهای جمله‌ای دشواتر از سایر ردیفهاست و میدری با توجه بسامد بالای ردیفهای جمله‌ای توانایی خود را در بکارگیری این نوع ردیفها نشان داده است.

**مثال:**

شده هرگز دلت مال کسی باشد که دیگر نیست؟ نگاهت سخت دنبال کسی باشد که دیگر نیست؟  
(میدری: ۱۳۹۵)

در جدول زیر انواع، تعداد و میزان درصد هر کدام از ردیفهای شعری مشخص شده است.

جدول ۴- انواع ردیف و درصد آن

نوع ردیف	فعلی	جمله	اسم	استفهام	حرف اضافه	جمع
درصد	۵۷/۱۴	۲۸/۵۷	۸/۹۲	۳/۵۷	۱/۷۸	٪۱۰۰

**ج) ایهام قرائت:** شاعر در برخی از اشعار کلماتی را با رسم الخطی خاص بکار برده که بتوان آنها را به دو صورت خواند و بدین صورت جنبه ایهام گونه به آن داده است. کلمات زنجانی، همدانی، تنبور و شوروی را میتوان به دو گونه خواند و دو گونه معنا کرد. معنای دو گونه، حاصل قرائت دو گانه است ولی در ایهام معمولی مساله قرائت ارتباطی با تعدد معانی ندارد. چون قرائت یک شکل بیشتر ندارد. در حقیقت تفاوت ایهام معمولی با ایهام قرائت آن است که در ایهام معمولی که همه با آن آشنا هستیم قرائت واحد وجود دارد با معانی دو گانه یا چند گانه، ولی در ایهام قرائت معانی دو گانه یا چند گانه حاصل اشکال مختلف قرائت است. البته این قبیل موارد را میتوان زیر مجموعه آرایه توسع نیز به حساب آورد.

تیز کن چاقوی زن/جانی خود را بیشتر  
اخم کن تا کشته ابروی جلادت شوم  
(همان)

جرم من هیچ ندانستن از عشق تو بود  
خواستی عین قضات همه/دانی بروی  
(همان)

زبانم بند آمد از بلندای بلورینت  
تن تن عشوه میریزی تن تن/بور میرقصی  
(همان)

پاشیده از بس اتحاد شور/وی از سر  
هر شب صدای گریه میآید لنین تنهاست  
(همان)

### ۳-۵- سطح ادبی

«حرکت و پویایی تصاویر یکی از مهمترین ویژگیهای تصویرگری است که بیانگر میزان صدق عاطفه شاعر است و شاعری که تصاویر خود را از جوانب مختلف حیات و احوال گوناگون طبیعت میگیرد شعرش از پویایی بیشتری برخوردار است، زیرا با حرکت و جنبش طبیعت همراه است» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع‌ی کدکنی: ص ۲) میدری در اشعار خود بیشتر از تشبیهات حسی بهره برده است.

### ۳-۵-۱- تشبیه

بیش از ۳۴ درصد اشعار میدری دارای تشبیه است. از این رو میتوان او را شاعر تشبیه‌گرا نامید. چون در مقایسه با آرایه‌های دیگر ادبی در اشعارش نمود بیشتری دارد. او بیشتر از تشبیهات حسی استفاده کرده است.

کاش میشد پابه پایت از جوانی بگذرم  
دست تو باشد عصای دست پیری محشر است  
(میدری: ۱۳۹۵)

در اشعار میدری کمتر با تشبیه عقلی روبرو هستیم. به گونه‌ای که بیش از ۹۶ درصد تشبیهات او حسی و تنها بیش از ۳ درصد تشبیهات او عقلی است. با این اوصاف میتوان نتیجه گرفت که میدری به لایه روی مضامین خود نگاه دارد و کمتر به کنه آنها و تصاویر انتزاعی و پیچیده فکر میکند.

### الف) تشبیه به اعتبار طرفین (حسی و عقلی):

#### ۱) تشبیه حسی به حسی

تا تویی ماه تمام هر شب این آسمان  
حال و روز کهکشانش راه شیری محشر است  
(همان: ۱۳۹۵)

#### ۲) تشبیه عقلی به حسی

تنیده تارهای صوتیم را عنکبوت بغض  
پر از ته مایه دشتی، هزار آواز دلتنگم  
(همان)

#### ۳) تشبیه حسی به عقلی

نگو هرگز نمی آیی، خیالت را نگیر از من  
شبیهِ خواب شیرین شور و حالت را نگیر از من  
(همان)

**(۴) تشبیه عقلی به عقلی**

کاشکی از خواب شعرم برنخیزم تا ابد  
طعم لبهایت مگر دستم بیاید، وای نه  
(همان)

**(۵) تشبیه بلیغ**

از بلندیهای جولان تنته تا نوار غزه روی دامن  
تاشب اشغالی پیراهنت ماریای اورشلیمم میشوی  
(همان)

**(ب) انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن:**

**(۱) تشبیه مفرد به مفرد**

تا نلرزم بیش از اینها در شب موهای تو  
از دو چشم روشن خود آفتابم میدهی؟  
(همان)

**(۲) تشبیه مفرد به مقید**

تا تویی ماه تمام هر شب این آسمان  
حال و روز کهکشانشان راه شیری محشر است  
(همان)

**(۳) تشبیه مفرد به مرکب**

شبیبه ماهی قرمز به روی آب می مانی  
که سینت هفتمین سال کسی باشد که دیگر نیست  
(همان)

**(۴) تشبیه خیالی و وهمی**

تنیده تارهای صوتیم راعنکبوت بغض  
پرازته مایه دشتی، هزار آواز دلتنگم  
(همان)

**(۵) تشبیه جمع**

جای خونت خون دلها میخورم از دست عشق  
اشکم و می جوشم و چون چشمه جاری میشوم  
(همان)



**۶) تشبیه مفروق**

چشم آتش! مژه رگبار! دو ابرو ماشه!  
باید این گونه نگاهی بچکانی بروی  
(همان)

**۷) تشبیه تسویه**

زمین دود و زمان دود و تمام آرزوها دود  
به انگشتان لرزانم نخ سیگار می‌لرزد  
(همان)

**۸) تشبیه تفضیل**

نمکین هستی و قندی، نه به این و نه به آنت  
نه به دریاچه قم، نه به گزِ نصفِ جهان  
(همان)

**ج) تشبیه از نظر وجه‌شبه:**

**۱) وجه شبه مفرد**

تا نلرزم بیش از اینها در شبِ موهایِ تو  
از دو چشمِ روشنِ خود آفتابم می‌دهی؟  
(همان)

**۲) وجه شبه متعدد**

نه به مویت که شرابی شده و مست و خراب  
نه به رویت که چنین چشمِ خمار آورده  
(همان)

**۳) وجه شبه مرکب**

فرشِ زیبایِ هزار و یک شبِ ایرانی است  
هر رجِ ابریشم از نقش و نگارِ او که نیست  
(همان)

**۴) تشبیه مجمل**

رسیدن سهم‌سببِ آرزوهایت نخواهد شد  
اگر خوشبختی‌ات کال کسی باشد که دیگر نیست  
(همان)

در بیت بالا سبب آرزو تشبیه مجمل است.

### ۵) تشبیه مفصل

شبیهِ ماهیِ قرمز به رویِ آبِ میمانی  
که سینت هفتمین سالِ کسی باشد که دیگر نیست  
(همان)

### ۳-۵-۲- استعاره

این همه اخترشناسی برده ای ارث از پدر  
ماه من! از آسمانت یک شهابم میدهی؟  
(میدری، ۱۳۹۵)

در بیت بالا ماه استعاره از معشوق است

این دل است از آبِ رکنِ آباد تا گلگشت تو  
سیبِ سرخی را که غرقِ پیچ و تاب آورده ام  
(همان)

سیب سرخ در بیت بالا استعاره از دل شاعر است (استعاره مکنیه از نوع تشخیص یا اضافه استعاری)

عواطف شاعر حد و مرز نمی‌شناسد. گلی در بیشه‌زار، آب روان چشمه، نسیم صبحگاهی، میوه‌های باغ، شکوفه‌های بوستان و نمونه‌هایی از این دست در شعرش تجلی پیدا میکند. میدری در بیش از ۱۶ درصد اشعار خود از استعاره استفاده کرده است. از همین رو میتوان او را شاعر تشبیه‌گرا نامید.

هوا غمگین، نفس خسته، درو دیوار لب بسته  
سکوتِ خانه سنگین و هیاهو برنمی‌گردد  
(میدری، ۱۳۹۵)

### ۳-۵-۳- کنایه

میدری تقریباً در سه درصد اشعار خود از کنایه استفاده کرده است. مانند «خون دل خوردن» در بیت زیر که کنایه است.

جای خونت خون دلها میخورم از دست عشق  
اشکم و می جوشم و چون چشمه جاری میشوم  
(همان)

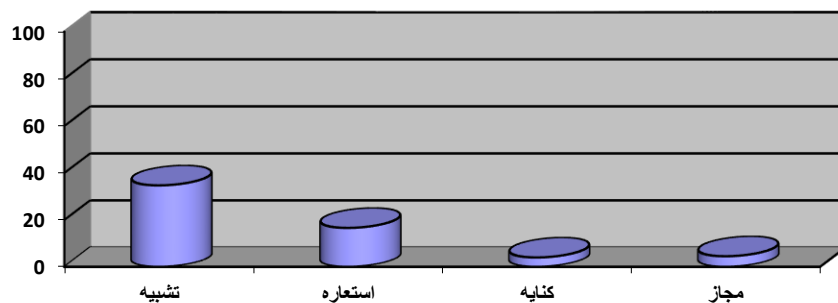
### ۳-۵-۴- مجاز

بتقریب در چهار درصد غزلیات میدری مجاز به کار رفته است.

گردن آویزت صلیبِ آفتاب  
گیسوانت برگِ زیتون و شراب

بر لب‌ت انجیلِ برنابایِ ناب      راویِ عهدِ قدیمم می‌شوی  
(همان)

مانند کلمه «انجیل» در بیت بالا که مجاز است و علاقه آن کل به جزء است.



شکل ۱- نمودار میزان کاربرد تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز

#### ۴- آرایه‌های لفظی و معنوی

##### ۴-۱- بدیع لفظی

##### ۴-۱-۱- تکرار

نمونه‌هایی از تکرار در شعر میدری آورده میشود که به بررسی هر کدام خواهیم پرداخت.

میرسی از راه و خوش خوش خوش خوش‌آمدگوی تو      خش خش برگ درختان چنار، ای جان چه خوب  
(میدری، ۱۳۹۵)

تکرار واژه خوش و خش در این بیت صدای برگ در پائیز را تداعی میکند و به نوعی آرایه تبادر است.

شب شب عشق است و می‌چینیم با هم تا سحر      بوسه بوسه سیبِ سرخ آبدار، ای جان چه خوب  
(همان)

در بیت بالا نیز شب و بوسه تکرار شده و به کمک مفهوم مورد نظر شاعر آمده است.

زبانم بند آمد از بلندای بلورینت      تنن تن عشوه میریزی تنن تن / بور میرقصی  
(همان)

در بیت بالا نیز با تکرار تن، به تاکید و اهمیت آن روی آورده است و به نوعی با تکرار آن به کمک مفهوم مصرع اول که بند آمدن زبان است، میپردازد. و «تن بور» در مصرع دوم نیز به نوعی ایهام تناسب دارد که آن را میتوان تنبور از سازهای زهی دانست و یا تن بور به معنی بدن بور در نظر بگیریم. بین کلمات تن و تتن جناس زائد وجود دارد.

«هدف شاعر از این نوع تکرار، دیداری کردن تصویر است. تصاویر ساخته شده در شعر و تخیل شاعر، به مدد تکرار در ساختار زبانی شعر، به نمایش درمیآیند. عمده این تصاویر، آنهایی است که ملازم حرکت و پویایی هستند، از این رو برای این که تصویر جنبه دیداری پیدا کند، با برشهایی که بین اجزای جمله ایجاد گردیده، آن اجزاء را به صورت مکرر مینویسند.» (بررسی کارکردهای تکرار در شعر معاصر، روحانی: ص ۱۶۴)

#### ۴-۱-۲- تشابه الاطراف

هر چه گفتم تو فقط چشم بگو، فهمیدی؟ هر چه گفتم فقط آماده دستور بریز  
(همان)

#### ۴-۱-۳- جناس

جناس شبه اشتقاق بین شور، شر و شهر و همچنین شر و شهر جناس زائد هم دارد.

لول لولم شوخ شیرین کار شهر آشوب من! اینهمه شور و شر از شهر شراب آورده ام  
(همان)

**الف) جناس خط:** بین یخ و نخ در بیت بالا جناس خط وجود دارد و در بیت زیر نیز بین بافه و شانه جناس خط وجود دارد.

روز روشن بافه بافه شانه بر مو میکشی روی هم میریزی و با شب تباری میکنی  
(همان)

#### ب) جناس زائد:

ابن سیرین هم ندیده سیر در خوابش تو را هر که شد دیوانهات تعبیر بی خوابش تویی  
(همان)

بین کلمات سیرین و سیر جناس زائد وجود دارد.

#### ۴-۱-۴- ترکیبات تازه

میدری از جمله شاعرانی است که ترکیبات تازه در اشعار او به چشم می‌خورد. در اشعار میدری ترکیبات تازه کم نیستند. ترکیباتی که ساخته و پرداخته ذهن خود شاعر است. از جمله « باد امضا کرده » در بیت زیر:

شلالِ گیسوانِ باد امضا کرده را وا کن      شبانه در میان بگذار این طومار را با من  
(همان)

#### ۴-۱-۵- سایر موارد

باران انگور، بغض لگدمال، حضرت لیلای واویلا، گیسوان باد امضا کرده، دهکده انگور، دریاچه انگور، هوا ابری انگور، بوسه شراب، نوازشهای داغ، لهجه غرق عسل،

#### ۴-۱-۶- کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات امروزی

میدری تعدادی از کلمات و اصطلاحات متداول زبان روز را به حوزه زبان ادبی و اختصاصاً غزل وارد کرده است. مانند مهریه و بوق اشغال در این ابیات.

گرچه دستم خالی اما واژه‌هایم مالِ تو      جایِ مهریه برایت شعرِ ناب آورده‌ام  
(همان)

چه خواهی کرد اگر هر بار گوشی را که برداری      نصیبت بوق اشغال کسی باشد که دیگر نیست؟  
(همان)

سایر موارد: کارت پستال / فیلم / گرامافون / آلبوم / موساد / منو (menu) / نُت / قهوه / فنجان / قطار / کودتا / النگو / پیانو / گیتار / عسلویه / فاز / خسرو شکیبایی / فندک / سیگار / خانه کلنگی / باربی (barbi) / جراحیِ زیبایی / میکاپ و مِش / کوپه / ریل / بریل / سریال / بلیت / قرص اعصاب / فنس / اتحادِ شوروی / لنین / معضل تهران و دودش / مهرجویی و سنتوری / پلان / جعبه سیاه / شیرِ گاز / کلوچه

#### ۴-۲- بدیع معنوی

#### ۴-۲-۱- مراعات‌النظیر

در این صنعت شعری، بین کلماتی که با یکدیگر مراعات‌النظیر دارند، هماهنگی و هارمونی پیدا می‌شود. به طوری که آن واژگان برجستگی خاصی پیدا می‌کنند. واژه‌هایی که نمایان و برجسته شده‌اند، اجزایی از یک کل را تشکیل می‌دهند و همچون دانه‌های درشت تسبیحی

سایر دانه‌ها را به یکدیگر متصل میکنند. اگر چه وجود واژه‌های مراعات‌النظیر ضروری به نظر نمی‌رسد، ولی با وجود آن‌ها سایر واژه‌ها، برجسته‌نمایی خاصی پیدا میکنند و زیبایی آن را دوچندان می‌سازد. فراتر از زیبایی زبانی ارتباط معنایی کلام را مستحکم می‌کند. این صنعت شعری را این‌گونه تعریف کرده‌اند که «چون گوینده جمع کند سخن اندر میان چیزهایی که نظایر یکدیگر باشند. یعنی چون ماه و آفتاب و دریا و کشتی و آنچه بدین ماند، آن سخن را مراعات‌النظیر خوانند». (ترجمان البلاغه، رادویانی: ص ۷۵)

میدری در سه درصد اشعار خود از مراعات‌النظیر استفاده کرده است. در ادامه نمونه‌هایی از مراعات‌النظیرهای این مجموعه، آورده می‌شود.

تا تویی ماهِ تمامِ هر شبِ این آسمان      حال و روز کهکشانش راه شیری محشر است  
(میدری، ۱۳۹۵)

بین کلمات ماه، شب، آسمان، روز و کهکشانش مراعات‌النظیر وجود دارد.

زخمه بر میداری از دل چین به چین با دامت؟      رقص پرشور دف و چنگ و ربابم میدهی؟  
(همان)

بین کلمات زخمه، رقص، دف، چنگ و رباب مراعات‌النظیر وجود دارد.

ابن سیرین هم ندیده سیر در خوابش تو را      هرکه شد دیوانه‌ات تعبیر بی خوابش تویی  
(همان)

بین کلمات ابن سیرین، خواب و تعبیر مراعات‌النظیر وجود دارد.

#### ۴-۲-۲- تضاد

روز روشن بافه بافه شانه بر مو میکشی      روی هم میریزی و با شب تبانی میکنی  
(همان)

#### ۴-۲-۳- حسن تعلیل

سربه جنگل میگذارد آسمان از دست عشقت      تا که پشتش خم شود رنگین کمان از دست عشقت  
(همان)

پشت میله میله مژگانِ خود حبسم نکن      چشم اگر بستی جهان زنداتر از این حرفه‌لست  
(همان)

#### ۴-۲-۴- اغراق

بی‌گمان نقشت کمال‌الملک را نقاش کرد  
خودسرانه عاشقیهایِ قلم‌مو را ببخش  
(همان)

کرده از اندام تو معماریش را اقتباس  
اصفهان و آن پل گستاخ‌خواجو را ببخش  
(همان)

#### ۴-۲-۵- تلمیح

در تلمیح معانی گسترده با حکایت، داستان یا واقعه، به شکل ایجاز گونه‌ای در واژگان محدود می‌گنجد. در تلمیح، تشبیه و تناسب بین آنچه شاعر بیان می‌کند و داستان، حکایت یا حدیث و آیه وجود دارد. این تناسب و تشبیه بین اصل موضوع نقل شده و مساله‌ای که به عنوان تلمیح به آن اشاره می‌کنیم، باعث می‌شود تا موضوع مورد نظر بهتر و به شکلی زیباتر در ذهن مخاطب جای گیرد. تلمیح یعنی «به گوشه‌ی چشم اشاره کردن و در اصطلاح بدیع آن است که گوینده در ضمن کلام به داستانی یا مثلی یا آیه و حدیثی معروف اشاره کند».

(فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۳۲۸)

میدری در بیش از ۸ درصد غزلیاتش از تلمیح استفاده کرده است. تلمیحات شعری او از مقوله‌های ادبی هنری و تاریخی است. نمونه‌هایی از تلمیحات به کار رفته در غزلیات میدری آورده شده است.

#### ۴-۳- تلمیح هنری

در بیت زیر تلمیح به استاد فرشچیان، نقاش بی‌بدیل مینیاتور دارد. در این بیت اغراق نیز به کار رفته است.

طاق زده نصف جهان کاشیت، فرشچیان خیره به نقاشیت

سرمه کشیدی به طلا پاشیت، آینه و نقش و نگار اینهمه؟

(میدری، ۱۳۹۵)

در بیت زیر علاوه بر تلمیح به داستان خسرو و شیرین و اشاره به فرهاد در این داستان که یکی از عشاق داستان است به مرحوم خسرو شکیبایی (۱۳۲۳-۱۳۸۷ خورشیدی) نیز تلمیح دارد. شور شیرین نیز دارای پارادوکس است.

شور شیرین! حق به فرهاد بی‌تابت شوم  
با وجود اینهمه خسرو، شکیبایی بد است  
(همان)

#### ۴-۴- تلمیح ادبی

شی «صادق» تر از هر صبح، بغضم را «هدایت» کن  
برای یک اتاقِ دنج و شیرِ گاز دلتنگم  
(همان)

نه تنها «گل محمد» رفته و «مارال» آشوب است  
تو هم دیگر به دنیای «کلیدر» برنمیگردی  
(همان)

#### ۵- سطح فکری

از دیر باز در ادبیات فارسی، شاعران از معشوق سخن گفته‌اند و هر کدام به تناسب و فراخور ذوق و قریحه خود او را ستایش کرده‌اند. در اشعار میدری وقتی سخن از عشق به میان می‌آید، عشق مجازی، زمینی، ملموس و دست یافتنی در این دنیا است. میدری دم را غنیمت می‌شمارد و فکر لذت و خوشباشی در شعر او هویداست و دم را غنیمت شمردن در زندگی از پایه‌های فکری شعر اوست. شاعر به عشق آنچنان بها میدهد که حتی گناه آن را بالاتر از ثواب می‌انگارد.

هر چه میخواهد بگوید واعظِ منبر نشین  
من گناهِ عشق را جایِ ثواب آورده ام  
(همان)

میدری در اشعار خود سخن از شیراز دارد و از آن به خوبی یاد میکند چرا که شهر حافظ نیز هست و تصویری رویا گونه از آن دارد.

خانه‌های خستی و پرچینِ دورش سروِ ناز  
شهرِ شیراز است یا من رو به خواب آورده ام؟  
(همان)

شیراز و حافظ برای شاعر اهمیت ویژه‌ای دارد چون زاد روز شاعر نیز با حافظ یکی است بطوری که خودش گفته:

گل سرخی به دست باد آمد  
به شیراز از پی همزاد آمد  
شب میلاد حافظ، بیستم مهر  
جهان روشن شد و شهزاد آمد  
(همان)

شاعر در برخی از اشعار خود از شکوه و عظمت ایران قدیم یاد میکند و با حسرت از آن نام میبرد و خود را در حال و هوای آن دوران تصور میکند.



به تختش مینشینند باز هم جمشید و میبند  
در آن جام جهان بین خسروانیهای ناب امشب  
(همان)

به آیین رسیده از نیاکان سـور میگیریم  
از آتش میشود روشن هزاران آفتاب امشب  
(همان)

در برخی از موارد میدری تابوهای اعتقادی را میشکنند و این گونه میسراید:

تازه میفهمم چرا مانده خدا تنها هنوز  
هر کسی که عاشقت شد چاره اش تنهایی است  
(همان)

در برخی از اشعارش حسرت روزگار قدیم را میخورد و زندگی گذشتگان را بهتر از امروز  
میداند و میگوید:

یک درشکه، سنگفرش خیس طهران قدیم  
سورچی و رپ رپ اسب شتابان قدیم  
(همان)

لب سمرقند و بخارا چشمِ دورانِ قدیم  
«بوی جویِ مولیان» در قرنِ آهن میشدم  
(همان)

در دنیای امروز با وجود ارتباطات گسترده و شلوغی شهرها و پیچیدگی زندگی هزار توی  
ماشینی، انسان باز احساس تنهایی میکند. این شلوغی و زرق و برق زندگی امروزی او را اقناع  
نمیکند و باز به دنبال گمشده خود میگردد. این گمشده چیست؟ خوشبختی، آرامش، همراه  
و یا یافتن هویت زندگی و اعتقاد درونی؟ به همین خاطر تعریف مسیر خوشبختی بشر به  
تعداد افراد بشر است. میدری نیز در اشعارش، از تنهایی انسان سخن گفته و او را در عصر  
جدید با وجود مشغله و جمعیت بشر تنها میبند و میگوید:

آدم دلش میگیرد از اینکه چنین تنهاست  
اندازه جمعیتِ رویِ زمین تنهاست  
(همان)

نه سقط خواهد شد نه می آید به دنیایم  
عمریست در اعماقِ روحم یک جنین تنه‌لست  
(همان)

۵-۱- وصف حال عاشق (شاعر)

۵-۱-۱- دلتنگی

شبی آغوش روی سایه ات وا کرده‌ای هرگز؟  
خودت را اینهمه دلتنگ معنا کرده‌ای هرگز؟  
(همان)

۵-۱-۲- تنهایی

هوا غمگین، نفس خسته، درو دیوار لب بسته  
سکوتِ خانه سنگین و هیاهو برنمیگردد  
(همان)

۵-۲- اشاره به برخی از شاعران و شخصیت‌ها

ابن سیرین هم ندیده سیر در خوابش تو را  
هر که شد دیوانه ات تعبیر بی خوابش تویی  
(همان)

از شفاخواهی دست نسخه‌ها برداشتند  
بوعلی سینا و طبّ نوشارو را ببخش  
(همان)

چه مشکل میشود عشقی که حافظ در هوای آن  
الا یا ایها الحال کسی باشد که دیگر نیست  
(همان)

شمس و فردوسی و جامی، یا که پروین اعتصامی  
گفته هر بیتی نظامی داستان از دست عشقت  
(همان)

۵-۳- وصف معشوق

نمکین هستی و قندی، نه به این و نه به آنت  
نه به دریاچه قم، نه به گزِ نصفِ جهان  
(همان)

۵-۴- اشاره به اساطیر ایران

میدری در اشعار خود به اساطیر ایرانی اشارات متعددی دارد از جمله:

منیژه دست توی دست بیژن، زال و رودابه  
فرانک آبتین، بهرام گور و نازیاب امشب  
(همان)

## ۶- نتیجه

سبک شخصی شهرداد میدری بسیار بارز و جالب توجه است و سبک خاص خودش را دارد. از ترکیبات و کلمات تازه بهره برده است و غزلیاتش دارای وحدت موضوع هستند. لحن و بیان ساده به همراه اصطلاحات عامیانه و اصطلاحات روز باعث شده است که شاعر از زبان نثرم شعر رایج فاصله بگیرد. این اصطلاحات روز در شعرش پیوندی بین زبان ادبی و زبان محاوره ایجاد کرده است به طوری که کلمات در جایگاه خود خوش نشستند و به کمک القاء فکر شاعر آمده‌اند. لغات عربی در شعر او نادر است. در عین حال در بخش زبانی بیش از ۲۸ درصد از ردیفهای به کار رفته، جمله هستند. در بحرهای عروضی اشعارش نیز تنوع اوزان دیده میشود و با توجه به مضامین شاد از ریتم تند بحر رمل استفاده کرده است.

پربسامدترین واژه‌ها به ترتیب دل، شب، چشم، عشق، رقص، بوسه، زیبا، شعر، صبح، باران، عاشق، غزل، ماه، برگ، گریه شراب، چای، محشر، آسمان، بهار، سیب، آغوش، فنجان هستند. این واژگان بی قرار بودن، هجران و دوری از وضعیت آرمانی در شعر او را گوشزد میکند. و این اندیشه و فکر تقویت میشود که در شعرش اندیشه خوشباشی و دریافت لحظات کنونی و دریافت دم به چشم میخورد. در شعر او اغلب سخن از عشق مجازی است. هرچند افعال زمان حال (۷۸ درصد) از بسامد بالاتری برخوردارند، میدری در زمان حال حسرت روزگار گذشته و یا موقعیت نداشته را میخورد. آنجا که سخن از شکوه و عظمت تمدن گذشته است به فراخور موضوع از باستان‌گرایی واژه‌ها مدد جسته است. واژه‌ها در این باره خوش نشستند و یاری‌گر پیام شاعر شده‌اند.

ترکیبات نو جان تازه‌ای به شعر او بخشیده است. تنهایی، وصف محبوب و فراق، مضامین پربسامد شعر او هستند. تشبیهات میدری اغلب حسی هستند و شاعر آنچه را که میبیند به تشبیه آن میپردازد و در اشعارش از تشبیهات پیچیده عقلی خبری نیست. در بخش استعاره نیز از استعاره مصرحه و مکنیه استفاده کرده است.

در بخش فکری شعر میدری سخن از عشق و لذت و فکر خوشباشی است و دم را غنیمت شمردن و خاطر معشوق را نیاززدن در ذهن اوست. از طرف دیگر حب وطن و عرق میهن‌دوستی و یاد کردن از ایران قدیم با تمدن و شکوه مثال زدنی‌اش برای او اهمیت دارد. به طوری که حتی لغات عربی در شعر او نادر است. تنهایی انسان در دنیای امروز نیز یکی دیگر از نگرانیها و مشغله‌های ذهنی اوست. شعر او دارای لحنی عاشقانه همراه با روح و طراوت زندگی است و خوش بودن در لحظه و به خصوص صبح را در اشعارش نمایان میکند.

### منابع و مأخذ

- ۱- ترجمان البلاغه، رادویانی، محمدبن عمر (۱۳۶۲)، به تصحیح و اهتمام پروفیسور احمد آتش، تهران: اساطیر.
- ۲- صور خیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲) ج پنجم، تهران، نگاه
- ۳- بررسی کارکردهای تکرار در شعر معاصر، روحانی، مسعود (۱۳۹۰) فصلنامه بوستان ادب دانشگاه شیراز، شماره ۲، ص ۱۴۵ - ۱۶۸
- ۴- وبلاگ شخصی شهزاد میدری (پیچک)